

## مدرنیزاسیون یا نسل کشی فرهنگی؟

۱۵ اردیبهشت ۱۴۰۴ ساعت ۱۵:۲۰

در دوران مدرنیزاسیون رضاخانی، صدایی خاموش شد: صدای کوچ. سیاست یکجانشینی، با چکمه‌های آهنین بر گلوی عشایر ایران فشار آورد و آنان را به زور از هویت، فرهنگ و معیشت‌شان جدا کرد. این روایت، داستان دردناکی است از خشونت و تبعیض.

رضاشاه بعد از قبضه قدرت، در راستای اقدامات به اصطلاح مدرنیستی خود دست به تغییرات گسترده‌ای زد. یکی از این تغییرات، سیاست تخته قاپو یا یکجانشینی بود. مطابق با این سیاست، رضاشاه تصمیم گرفت تا با تغییر سبک زندگی عشایر، آنها را وارد زندگی جدید یا مدرنیته نماید. این سیاست اشتباه که تنها برای تحقق اهداف سیاسی و تغییر ظاهر زندگی عشایر صورت می‌گرفت، با خشونت زیادی همراه بود. تا جایی که به نقل از منابع متعدد، بسیاری از مردم عشایر جان و مال خود را بر اثر این سیاست از دست دادند. در این نوشته به برخی از ابعاد خشونت‌های رضاشاه در اعمال این سیاست پرداخته شده است.

### سیاست یکجانشینی و آغاز آن

گفته شده است سیاست سیاسی یکجانشینی قبل از تاجگذاری رضاخان به عنوان پادشاه پهلوی، آغاز شد. مهدیقلی هدایت، زمان آغاز این سیاست را مربوط به سال ۱۳۰۱ دانسته است. البته این سیاست طی سال‌های بعد در مورد عشایر شهرها و استان‌های مختلف صورت گرفت. به عنوان مثال، در سال ۱۳۰۲ عشایر لر، هدف اصلی این سیاست قرار گرفتند و تا چندین سال با خشونت‌های رضاشاه و عواملش دست به گریبان شدند. رضاشاه برای اجرای سیاست خود، ارتش نوین را در خدمت گرفت. عملیات ارتش نوین ایران، از همان لحظه ایجاد آن، عمدتاً علیه عشایر بود. عملیات عمده این دوران عبارتند از:

سال ۱۳۰۱: عملیات علیه سمیتقو در آذربایجان، عملیات علیه شاهسون ها در منطقه اردبیل.

سال ۱۳۰۲: عملیات علیه شاهسون ها در آذربایجان، عملیات لرستان.

سال ۱۳۰۳: عملیات در سرحد بلوچستان، در لرستان و علیه شیخ خزعل و علیه ترکمن ها.

سال ۱۳۰۴: عملیات علیه عربهای ساکن خوزستان، علیه ترکمن ها و در لرستان، علیه والی پشتکوه.

سال ۱۳۰۵: عملیات در لرستان و کردستان.<sup>[۱]</sup>

البته سیاست تخته قاپو در چند مرحله اجرا شد. مرحله اول شامل خلع سلاح کردن عشایر بود، مرحله دوم اسکان آنها و مرحله آخر نیز شامل سلب قدرت از عشایر بود که هر کدام طی دوره و سال‌های خاصی اجرا شد. از این رو میان سیاست تخته قاپو و سیاست یکجانشینی تفکیک قائل شده و معتقدند سیاست تخته قاپو همان سیاست اسکان عشایر است که بخشی از سیاست کلی یکجانشینی محسوب می‌شود. این گروه، آغاز سیاست تخته قاپو را سال ۱۳۱۳ دانسته و معتقدند نظامنامه آن نیز در همین سال

تدوین گردید. البته برخی از منابع نیز معتقدند آغاز سیاست تخته قاپو به سال ۱۳۰۵ بازمی‌گردد. گرچه در این سال، نظامنامه‌ای تدوین نشد؛ اما رضاشاه سیاست خود را از همین سال آغاز کرد. به گفته این منابع، رضاشاه از ۱۳۰۵ تا ۱۳۱۵ ش تمام ایلات کوچرو را تخته قاپو کرد. او برای این کار، ابتدا در ۱۳۰۵ ش «اداره اسکان ایلات» را زیر نظر وزارت داخله تأسیس کرد و به کمک نیروهای نظامی و انتظامی، ایلات کوچرو را با زور سرنیزه یکجانشین کرد. البته از آنجا که ایلات لرستان بیش از ایلات دیگر در برابر نیروهای رضاشاه ایستادگی کردند، بنابراین زودتر از همه تخته قاپو شدند.<sup>[۲]</sup> سیاست یکجانشینی در مورد تمام ایلات و عشایر با خشونت همراه بود؛ اما خشونت در مورد ایلات لر، بیشتر و بسیار وحشتناک‌تر بود. زیرا خطر آنان برای رضاشاه و حکومتش بسیار پررنگ‌تر از سایر ایلات بود. بنابراین، ایلات لر، زودتر از بقیه مشمول این سیاست شدند. «چنانکه اولین بار، بهاروندها و سپس میرهای غیرتبعیدی در ۱۳۰۷ ش در دشت کُرگاه (منطقه ییلاقی) تخته قاپو شدند و پس از آن بقیه ایلات لرستان وادار به یکجانشینی شدند. از ۱۳۰۸ ش به بعد ایلات دیگر تخته قاپو شدند و از ۱۳۱۱ تا ۱۳۱۳ ش قشقایها و دیگر ایلات فارس و کهگیلویه - بویراحمد یکجانشین شدند. تخته قاپو کردن ایلات کوچرو به منظور برقراری امنیت و اهداف سیاسی انجام گرفت و نه به منظور بهبود زندگی کوچروها.»<sup>[۳]</sup> با این حال اگر بخواهیم در مورد سیاست یکجانشینی صحبت کنیم باید گفت که این سیاست از همان سال‌های به قدرت رسیدن رضاخان آغاز شد و تا سال‌های پایانی حکومت او نیز ادامه یافت.

#### خشونت‌های رضاشاه در اجرای سیاست یکجانشینی

همانطور که در ابتدا گفته شد سیاست یکجانشینی با خشونت زیادی همراه بود. البته آمار دقیقی در رابطه با خسارات جانی و مالی این سیاست در دست نیست؛ اما منابعی که به این موضوع پرداخته‌اند، مشترکاً از جنایات وحشتناک رضاشاه صحبت کرده‌اند. تا جایی که بسیاری معتقد بودند که مهم‌ترین هدف رضاشاه از تشکیل ارتش نیز قلع و قمع عشایر بوده است. استفانین کرونی می‌نویسد: «رضاخان که گویی ارتش خود را صرفاً برای جنگ با عشایر تشکیل داده است، از افراد خود می‌خواست تا یک سرباز قرن نوزدهمی منفعل و فاقد تحرک نبوده و بلکه سربازی وفادار، فعال و آماده برای شرکت در جنگ‌های دائمی علیه دشمنان عشایری قدرتمند باشند.»<sup>[۴]</sup>

بر این اساس رضاشاه جان بسیاری از عشایر را که حاضر به تغییر محل سکونت خود و یکجانشینی نبودند گرفت و بسیاری از آنها را دستگیر و روانه زندان کرد. سیاست رضا شاه در ارتباط با عشایر و متحد ساختن ایران، تنها شامل خسارات جانی نبود؛ «بلکه با وحشیگری و غارت اموال یک چهارم از جمعیت کشور نیز همراه بود. ارتش رضاخان در سال‌های ۱۹۲۳-۱۹۲۴ بر عشایر آذربایجان چیره شد، زمین‌هایشان را مصادره، و مال و اموالشان را غارت کرد. البته سیاست رضا شاه در قبال عشایر فقط به انقیاد آنها و غارت اموالشان ختم نمی‌شد.»<sup>[۵]</sup>

با این حال بخش دیگری از خشونت‌های رضاشاه با سختی‌ها و مشکلات زندگی عشایر بعد از یکجانشینی مرتبط بود. در واقع سیاست یکجانشینی، معضلات و مشکلات خاص خود را به همراه داشت که می‌توان آنها را نیز نتیجه سیاست خشونت‌آمیز رضاشاه دانست. خشونت‌هایی که بخشی از آن با موفقیت رضاشاه نیز همراه بود. گرچه نتیجه نهایی اجرای این سیاست، شکستی منفی‌توضیحانه بود. درواقع رضاشاه با اجرای این سیاست توانست بخش مهمی از عشایر را مجبور به کوچ نماید. دیوید ویلیامسن، کاردار سفارت آمریکا، در سال ۱۹۲۹، اطلاعاتی درباره کوچ اجباری عشایر از لرستان و سایر مناطق ایران به دست داده است: «دقیقاً معلوم نیست چند نفر مجبور به کوچ شده‌اند. در مطبوعات آمده است که ۱۱۰ خانوار، یا تقریباً ۶۰۰ نفر، را به روستاهای

قزوین کوچ داده‌اند. ولی از اخبارِ منابع دیگر چنین برمی آید که تعداد رانده شدگان به مراتب بیشتر از چیزی است که گزارش کرده‌اند... [۶] اما این موفقیت، مقطعی بود و بعد از سقوط رضاشاه از حکومت، عشایر مجدداً به زادگاه خود بازگشتند.

سخن نهایی

برخی معتقدند عشایر با سبک زندگی خاص خود، یکی از موانع پیشرفت سیاسی و اقتصادی کشور بودند و از ابعاد مختلفی بر جامعه ایران تاثیر داشتند. گرچه نمی‌توان این موضوع را انکار کرد؛ اما واقعیت آن است که عشایر از نظر اقتصادی، تامین کننده برخی از نیازهای اساسی کشور بودند. اما جدا از این موضوع مهم، عشایر از دیرباز عامل تهدید حکومت مرکزی نیز محسوب می‌شد. رضاشاه با آگاهی از این موضوع، تمایل داشت این تهدید را برای همیشه حذف کند. به همین دلیل نیز از هر ابزار خشونت‌آمیزی برای حذف این تهدید استفاده کرد.

[۱] - سقوط: مجموعه مقالات نخستین همایش بررسی علل فروپاشی سلطنت پهلوی، تهران، موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ۱۳۸۴، صص ۷۹۰-۷۹۱

[۲] - دانشنامه جهان اسلام، بنیاد دایره المعارف اسلامی، جلد ۱، ص ۳۳۶۶

[۳] - همان

[۴] - سقوط: مجموعه مقالات نخستین همایش بررسی علل فروپاشی سلطنت پهلوی، همان، صص ۷۸۹-۷۹۰

[۵] - محمدقلی مجد، رضا شاه و بریتانیا بر اساس اسناد وزارت خارجه آمریکا، تهران، موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ۱۳۸۹، ص ۸۲

[۶] - مجد، همان ص ۸۲

آدرس مطلب :

<https://www.cafetariikh.com/news/۵۰۰۸۰/مدرنیزاسیون-یا-مدرنیزاسیون-۵۰۰۸۰>